

مطالعه سیر تغییر در دفتر تحکیم وحدت (1376-1358)

*
دکتر محمدسالار کسرای

**
علی پوزش شیرازی

چکیده

جنبش‌های اجتماعی از موضوعات مبتلابه و اثرگذار در ساحت سیاسی - اجتماعی جوامع هستند؛ از این رو مطالعه آنها همیشه مورد توجه بوده است. جنبش دانشجویی نیز به دلیل حساسیت‌های خاص خود از جایگاه ویژه‌ای در این زمینه برخوردار بوده است. مقاله حاضر بر آن است تا ضمن ارائه مقدمه‌ای نظری در خصوص جنبش‌های جدید اجتماعی و به طور خاص جنبش دانشجویی، به مبانی فکری و عملکرد دفتر تحکیم وحدت از آغاز شکل‌گیری تا روی کار آمدن دولت اصلاحات بپردازد. این موضوع از آنجا اهمیت می‌یابد که انجمن‌های اسلامی دانشجویان با محوریت دفتر تحکیم

* استادیار پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی (mohammadsalar_kasraie@yahoo.com)
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه مازندران (shirazi_umz@yahoo.com)

تاریخ دریافت: 1388/2/10 تاریخ پذیرش: 1388/11/18

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره چهارم، پاییز 1388، صص 200-175.

وحدت، دست کم در دو دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی، فراگیرترین تشکل دانشجویی در ایران و منشأ تأثیرات مهم سیاسی - اجتماعی بوده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان از تسخیر سفارت امریکا، انقلاب فرهنگی و تلاش در جهت پیروزی *حجت‌الاسلام و المسلمین خاتمی* در دوم خرداد 1376 نام برد. این مقاله می‌کوشد تا روند تغییر در دفتر تحکیم وحدت را در دوره زمانی یادشده مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، جنبش دانشجویی، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت)، جناح چپ سنتی، جبهه اصلاحات

مقدمه

جنبش‌های اجتماعی به‌ویژه طی قرون نوزدهم و بیستم موضوع جذابی برای محققان حوزه علوم اجتماعی بوده‌اند. میزان اثرگذاری این جنبش‌ها بر تحولات و فرایندهای اجتماعی و سیاسی جوامع در عصر مدرن یکی از دلایل جذابیت آنهاست. تحرکات اجتماعی گاهی به شکل جنبش خود را نمایان می‌سازند که البته خود محصول فرایندهای پیچیده‌تری نظیر گسترش شکاف‌های مختلف در جامعه است؛ اما هنگامی که حرکت‌های جمعی به «جنبش» مبدل می‌شوند، قابلیت آن را می‌یابند تا ظرفیت‌های نهفته خویش را در راستای ایجاد تغییرات بنیادین در جامعه به فعلیت برسانند. رابرت استنسر در خصوص تبدیل یک تحرک اجتماعی به جنبش چنین می‌نویسد: وجود تبعیض (نژادی، جنسی و...) در جامعه در کنار عنصر آگاهی، هرگاه با انگیزه و محرکی قوی - مانند یک رویداد تاریخی - همراه شود، «تحرک اجتماعی» به «جنبش» تبدیل می‌شود.⁽¹⁾ به عبارت دیگر «جنبش» حرکتی جمعی است که به صورت داوطلبانه یا برنامه‌ریزی‌شده به منظور ایجاد تغییر و تحول اتفاق می‌افتد. دامنه این تحول می‌تواند تغییر در اندیشه و نگرش تا تحول در نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر بگیرد.⁽²⁾

در تعریفی دقیق‌تر، می‌توان گفت جنبش‌های اجتماعی - به‌ویژه آن دسته که در حوزه سیاسی فعال هستند - شبکه‌های غیررسمی، مبتنی بر اعتقادات مشترک و همبستگی به شمار می‌آیند که از طریق استفاده مداوم از اشکال گوناگون اعتراض، حول موضوعات منازعه‌آمیز، بسیج می‌شوند. دقت در چهار ویژگی در تعریف فوق برای جنبش‌های اجتماعی، امکان تفکیک آنها را از سایر اشکال عمل جمعی که سازمان‌یافته‌تر بوده و در قالب احزاب، گروه‌های ذی‌نفع، فرقه‌های مذهبی، وقایع

اعتراض‌آمیزِ موردی یا ائتلاف‌های سیاسی خاص ظاهر می‌شوند، فراهم می‌سازد.⁽³⁾ سابقه جنبش‌های اجتماعی در جهان مدرن به قرن هجدهم در اروپا باز می‌گردد. از آن زمان تاکنون جنبش‌های اجتماعی هم در عمل و هم در نظر دچار دگرگونی‌های متعدد و متنوعی شده‌اند⁽⁴⁾ اما از دهه 1960 به بعد نوعی دگرگونی در شیوه رفتار، منش و اهداف جنبش‌های اجتماعی صورت گرفته که بسیاری از محققان و اندیشمندان دست‌اندرکار در این حوزه از آن به نوعی دگرگونی مفهومی و تغییر در رهیافت یاد می‌کنند.⁽⁵⁾

از لحاظ تاریخی می‌توان جنبش دانشجویی می 1968 را سرآغازی برای آنچه امروز جنبش‌های اجتماعی جدید نامیده می‌شوند، دانست. به طور خاص تظاهرات گسترده دانشجویی فرانسه و برلین (1968)، ایتالیا (1969) و جنبش ضد جنگ به رهبری دانشجویان در اواسط دهه 1960 در ایالات متحده امریکا نقطه عزیمت کنش‌ها و اقدامات جمعی بود که از لحاظ جنس و ماهیت به میزان قابل توجهی با کنش‌های جمعی که پیش از این غالباً توسط کارگران صورت می‌گرفت، متفاوت بود؛ ضمن اینکه در اروپای آن زمان نظریه‌های مارکسیستی در خصوص تحلیل و تبیین جنبش‌های اجتماعی، نظریات غالب بودند. اما اتفاق جالب آن بود که از این زمان، نظریات مذکور دیگر قادر به توضیح و تبیین این رویدادها نبودند زیرا همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، برای نخستین بار دانشجویان به عنوان رهبران و پیش‌قراولان تظاهرات و اعتراض ظاهر شدند و از سوی دیگر خواسته‌های آنان فراتر از خواسته‌های متعارف در جنبش‌های اجتماعی پیشین¹ بود.

این بار خواسته‌های جنبش‌های اجتماعی از خواسته‌ها و اعتراضات متعارف در زمینه مسائلی چون دستمزد و توزیع مناسب و عادلانه ثروت و مسائلی از این قبیل فراتر رفته و به خواسته‌هایی با محوریت مسائل مربوط به کیفیت زندگی ارتقا یافته بود.⁽⁶⁾ برخی عقیده دارند پارادایم جنبش‌های جدید اجتماعی واکنش مستقیمی به ناکارآمدی نظریه‌های مارکسیستی در تحلیل و تبیین جنبش‌های اجتماعی بود؛⁽⁷⁾ زیرا مسائل مورد توجه آنها به حوزه خاصی از منازعات عموماً غیرمادی گرایش پیدا کرده به گونه‌ای که هدف آنها را می‌توان کنترل بر منابعی قلمداد نمود که به تولید

1. Old Social Movements (Osm)

معنا می‌پردازند و به بازیگران این امکان را می‌دهند که نه تنها در خصوص مسائل عام انسانی بلکه در حوزه شخصی و مهم‌تر از همه در ارتباط بین این دو سطح دخالت کنند.

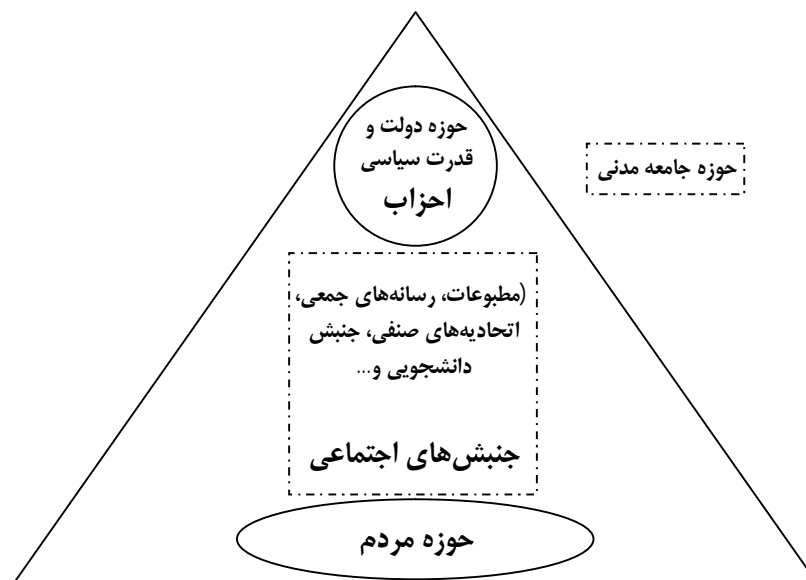
بنابراین منازعه اجتماعی دیگر نه بر سر قدرت اقتصادی یا سیاسی بلکه بیشتر در ارتباط با تولید و انتشار اطلاعات شرایط اجتماعی برای تولید و استفاده از دانش علمی، خلق سمبل‌ها و مدل‌های فرهنگی مرتبط با تعریف هویت‌های فردی و جمعی است.⁽⁸⁾ به همین سبب برخی از پژوهشگران اجتماعی به بازخوانی مفاهیم و ادبیات خاص این حوزه از علوم اجتماعی مبادرت ورزیده‌اند، به گونه‌ای که برای مثال طبقه به عنوان یکی از مفاهیم اصلی و اساسی در حوزه جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی دچار آن تحول مفهومی و بازتعریف شده است. بر این اساس طبقه اجتماعی، برخلاف آنچه در ادبیات مارکسیستی مرسوم بوده، صرفاً در پیوند با نظام تولیدی تعریف نمی‌شود؛⁽⁹⁾ بنابراین جنبش اجتماعی جدید پدیده‌ای متعلق به عصر جدید است که نمی‌توان آن را همچون مدل‌های جامعه‌شناختی قدیم صرفاً حول محور «دولت - ملت» مورد بررسی قرار داد.⁽¹⁰⁾ گرچه حرکت‌های جمعی همواره جزئی از جوامع بشری بوده‌اند اما پدیده «جنبش اجتماعی»¹ برآیند مقتضیات عصر مدرن است.

جنبش‌های اجتماعی جدید متأثر از خاستگاهی متفاوت و ویژگی‌هایی متمایز نسبت به جنبش‌های پیشین هستند. این جنبش‌های جدید که نمادی از صورت‌بندی روابط سیاسی - اجتماعی جدید به شمار می‌روند، دارای علایقی جهان‌شمول، مترصد تغییر در عقاید عمومی به جای نهاد حاکم، بدبین به ساختارهای بوروکراتیک متمرکز و معترض نسبت به وضعیت اخلاقی بوده و در عین حال، به شدت به رسانه‌های جمعی متکی‌اند. این جنبش‌ها به شیوه‌های غیررسمی، باز و انعطاف‌پذیر سازماندهی شده‌اند.⁽¹¹⁾

در واقع جنبش‌های جدید اجتماعی رو به سوی فرامادی‌گرایی دارند.⁽¹²⁾ آنها بیشتر بُعد نمادین یافته‌اند؛ از این رو بر پایه فرهنگ، مذهب، ملیت و ... اقدام به خلق و بازپروری نمادها می‌نمایند.⁽¹³⁾

در میان جنبش‌های اجتماعی، جنبش‌های دانشجویی همواره به شکل ویژه‌ای مورد توجه بوده‌اند. از یک سو، به اعتقاد برخی صاحب‌نظران دانشگاه مهم‌ترین کانون تربیت نیروی انسانی ماهر و تولیدات علمی و فنی در دنیای جدید است؛⁽¹⁴⁾ از این رو، حرکت‌های منتسب به آن نیز می‌تواند به شکل فوق‌العاده‌ای در جامعه اثرگذار باشد؛ از سوی دیگر، جایگاه جنبش دانشجویی در ساختار نظام سیاسی و هرم قدرت توجه ویژه به آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. توجه به نمودار طراحی‌شده زیر می‌تواند به درک این منظور یاری رساند:

نمودار شماره 1. موقعیت جنبش دانشجویی در هرم قدرت



از نگاه نظریه جنبش‌های جدید اجتماعی، جنبش‌های دانشجویی در دوران فراصنعتی یا دوران مدرنیته دوم شکل گرفته‌اند. در اینجا دیگر محور شکاف‌های اجتماعی نزاع میان کارگر و سرمایه‌دار نیست؛ بلکه محیط‌های رسانه‌ای به اشکال مختلف جانشین کارخانه‌های صنعتی و رقابت‌های تبلیغاتی و رسانه‌های جایگزین نزاع‌های صنفی شده‌اند. از این منظر جنبش‌های دانشجویی با نفوذ در افکار عمومی از طریق آرای مردم، حکومت و جهت‌گیری سیاسی آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. به دیگر سخن، دانشجویان فعال در پیکره جنبش دانشجویی از میان

اندیشه‌های روشنفکران و مفاهیم، نظریات و مطالبات گوناگون جامعه، بخشی از آنها را که مرتبط با نیازهای زمانه تشخیص دهند انتخاب نموده، در حرکت‌های جمعی و شعارها و رسانه‌های خاص خود تکرار می‌کنند و زمینه تأثیرپذیری افکار عمومی را از یک سو و جناح‌ها و مراکز قدرت سیاسی را از سوی دیگر فراهم می‌آورند.⁽¹⁵⁾ از این رو می‌توان گفت جنبش دانشجویی نه یک حرکت صرفاً آکادمیک، انتزاعی و فارغ از درد و رنج مردم است، نه حرکتی ناآگاهانه و فاقد بنیان نظری و علمی؛ به گونه‌ای که آن را در حد جنبش‌های توده‌ای و پوپولیستی تنزل دهد⁽¹⁶⁾ (به مدل موقعیت جنبش دانشجویی در هرم قدرت دقت شود).

علاوه بر آنچه ذکر شد، جنبش‌های دانشجویی دارای خصلت‌های منحصربه‌فردی هستند که آنها را از سایر جنبش‌ها متمایز می‌سازد. از جمله این خصلت‌ها می‌توان به موارد زیر⁽¹⁷⁾ اشاره کرد:

c ضد مرکزیت‌گرایی: داشتن خصلت «جنبشی» در برابر خصلت «سازمانی» (سازمان‌ها برخوردار از مرکزیت، دارای تشکیلات وسیع، منسجم و مبتنی بر ایده نمایندگی اند)؛

c خصلت کارناوالی: شکل بروز دسته‌جمعی و تظاهراتی این نوع جنبش، حالت «کارناوالی» دارد؛

c شیوه فعالیت شفاهی و علنی: این شیوه به راحتی می‌تواند به اشکال شورشی تبدیل شود؛

c خصلت روشنفکری: به معنای شیوه نگرشی نسبت به جهان که حافظ اصول دموکراتیک و منزلت انسان باشد؛

c داشتن هویت گفتمانی (نقطه مقابل هویت سازمانی): هویتی رقیق و بی‌کران که در یک چهارچوب منعطف و باز حول گفتمان‌هایی مشخص شکل گرفته، پرورش می‌یابد؛ بی‌آنکه سازمان و تشکیلات ویژه‌ای آن را مخدوش کند. این هویت دربردارنده اشکال رقیقی از ائتلاف نیز هست. داشتن چنین ویژگی‌هایی این جنبش را از سایر جنبش‌ها متمایز می‌سازد.

این مقاله می‌کوشد سیر تغییر در «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت)» را در دهه‌های شصت و هفتاد مورد بررسی

قرار دهد. از آنجاکه دفتر تحکیم وحدت فراگیرترین تشکل دانشجویی در دست‌کم نزدیک به دو دهه نخست انقلاب اسلامی به شمار می‌آید، پرداختن به سیر مواضع و فعالیت‌های آن می‌تواند روشنگر بخشی از جنبش دانشجویی ایران باشد. در بررسی پیشینه ادبیات موضوع نیز می‌توان گفت تاکنون هیچ مقاله معتبر و علمی در این زمینه نگاشته نشده است. بیشتر آثار موجود معتبر در خصوص جنبش دانشجویی به برهه پیش از انقلاب تعلق دارند. عمده آثاری نیز که به دوران جمهوری اسلامی پرداخته‌اند یا مقالات روزنامه‌ای و به تبع آن فاقد وجهت علمی‌اند، و یا صرفاً به مصاحبه با فعالان جنبش و تاریخ‌نگاری بسنده کرده‌اند. بدین ترتیب مقاله حاضر می‌تواند زمینه‌ای برای انجام پژوهش‌های دیگر در این حوزه باشد.

جنبش دانشجویی در ایران

جنبش دانشجویی در ایران پیشینه‌ای به قدمت تأسیس دانشگاه دارد. نخستین رویدادی که به عنوان نقطه عطف موجب ارتقای جایگاه جنبش دانشجویی در ایران شد، حادثه 16 آذر 1332 بود. از آن پس این جنبش توانست جایگاه خود را در تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی معاصر تثبیت نماید. از این رو می‌توان 16 آذر 32 را سرآغاز هویت‌یابی جنبش دانشجویی ایران قلمداد کرد. از آن زمان تاکنون گرچه جنبش دانشجویی بخشی از جنبش روشنفکری جدید در ایران به شمار آمده،⁽¹⁸⁾ اما در عین حال خصیصه مردمی بودن، وجه ممیزه آن با جنبش روشنفکری به شمار می‌رود.

جنبش دانشجویی ایران را می‌توان به دو بخش داخل و خارج از کشور تقسیم کرد که بعد خارجی آن قدمتی به مراتب بیشتر از بعد داخلی دارد. در واقع ریشه‌های اولیه جنبش دانشجویی از دانشسرای عالی، مدارس به سبک غرب و محفل‌های دانشجویان اعزامی به خارج از کشور نشئت می‌گرفت.⁽¹⁹⁾ از نظر زمانی نیز دو مقطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی، مهم‌ترین تقسیم‌بندی جنبش دانشجویی در ایران به شمار می‌آید.

جنبش دانشجویی در داخل کشور به دو دوره قابل تقسیم است: پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن. تا پیش از پیروزی انقلاب، سه نحله فکری در

جنبش دانشجویی وجود داشت: چپ مارکسیستی، ملی‌گرا، مذهبی اسلامی. در این میان وجه غالب جنبش از آن چپ مارکسیستی بود⁽²⁰⁾ که قدیمی‌ترین آنان نیز به شمار می‌رفت.

بیشتر تحرکات دانشجویی در دوران رضاخان صنفی بود؛ اما با پایان یافتن دوران سلطنت وی، روی کار آمدن محمدرضا و در نتیجه شکستن فضای بسته حکومت در اوایل دهه 1320، شرایط به نسبت باز سیاسی در ایران به وجود آمد که زمینه را برای بروز و ظهور جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های منتقد فراهم نمود. جنبش دانشجویی نیز که تا پیش از این فضای امنیتی حاکم امکان فعالیت آزادانه را به آن نمی‌داد، زمینه فعالیت را مناسب دید و تحرک خود را پس از نزدیک به یک دهه رخوت از سرگرفت؛ تا آنجا که عده‌ای تاریخ‌پیدایش جنبش دانشجویی در ایران را سال‌های آغازین دهه 1320 شمسی می‌دانند.⁽²¹⁾

«انجمن اسلامی دانشجویان» درست در همین زمان پایه‌ریزی شد. این انجمن به عنوان هسته مرکزی بخش اسلامی جنبش دانشجویی و خاستگاه «دفتر تحکیم وحدت» در سال 1321 در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران تأسیس گردید⁽²²⁾ و از نخستین اعضای آن می‌توان به حسین عالی، محب‌علی آزاده گنابادی، مهدوی شهرضایی، منصور بیگی، سید موسی گوشه‌گیر، سیدجعفر شهیدی و... اشاره کرد. انگیزه اصلی دانشجویان مسلمان در ایجاد انجمن اسلامی، مقابله با فعالیت و تبلیغات گسترده بهائیان و حزب توده علیه اسلام بود؛⁽²³⁾ از این رو می‌توان گفت که این تشکل در ابتدا وجه‌های مذهبی و اعتقادی داشت تا سیاسی.

دفتر تحکیم وحدت

در خصوص نقش فعال دانشجویان در پیشبرد و تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی تاکنون مطالب متعددی به رشته تحریر درآمده است.⁽²⁴⁾ یکی از دلایل این امر، حضور پُررنگ و غیر قابل اغماض جنبش دانشجویی در جریان انقلاب اسلامی است. پس از زوال رژیم پهلوی در بهمن 1357 نیز از جمله گروه‌هایی که در پیشبرد نهضت امام خمینی (ره) نقشی بی‌بدیل ایفا نمود، جنبش دانشجویی بود که از سال 1358 در تشکلی با نام «دفتر تحکیم وحدت» خلاصه می‌شد. به عنوان

مهم‌ترین دلیل بر این مدعا می‌توان از تسخیر سفارت امریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) با محوریت دفتر تحکیم وحدت اشاره کرد که از سوی امام خمینی (ره) لقب انقلاب دوم به خود گرفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تمامی دانشجویان معروف به پیرو خط امام (ره) که بیشتر اعضای انجمن‌های اسلامی بودند، گردهم آمدند و دفتر تحکیم وحدت را به عنوان هسته مرکزی تشکیلات خود پایه‌گذاری کردند. از این رو می‌توان «انجمن اسلامی دانشجویان» را با قدمتی چهل ساله و به محوریت دفتر تازه‌تأسیس تحکیم وحدت که توانسته بود تشکیلات خود را به بسیاری از دانشگاه‌های کشور تسری دهد، تنها مجموعه دانشجویی دانست که موفق شد جنبش دانشجویی ایران را امتداد بخشد. هدف از تأسیس «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور» یا همان «دفتر تحکیم وحدت»، ایجاد هماهنگی بین انجمن‌های اسلامی و انسجام در فعالیت‌ها به شمار می‌آمد.⁽²⁵⁾ نام این تشکل، برگرفته از توصیه امام خمینی (ره) مبنی بر این بود که دانشجویان انجمن‌های اسلامی میان حوزه و دانشگاه «تحکیم وحدت» کنند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیلی دو ساله دانشگاه‌ها در انقلاب فرهنگی، اکثریت قریب به اتفاق تشکل‌های دانشجویی که گرایش‌هایی معارض با اندیشه‌های نهضت داشتند، از عرصه فعالیت کنار رفتند. بدین ترتیب زمینه برای فعالیت آزادانه دفتر تحکیم فراهم آمد. اندک‌اندک در برخی موضع‌گیری‌ها نسبت به مسائل سیاسی، اختلافاتی میان اعضا پدید آمد. این اختلاف‌ها که از انتخابات مجلس دوم (1362) آغاز شده بود، پس از چند سال به انشعاب منجر شد.⁽²⁶⁾ از آن پس تشکل‌های دیگری همچون «جامعه اسلامی دانشجویان» نیز به جریان جنبش دانشجویی وارد شدند.

با پایان جنگ هشت‌ساله و روی کار آمدن دولت جدید، جریان حاکم بر عرصه سیاسی - اجتماعی از دولت انقلابی به دولت سازندگی تحول یافت. با آغاز دوران سازندگی، دفتر تحکیم وحدت اندک‌اندک از جریان حاکم فاصله گرفت و در فعالیت‌ها و شعارهای خود با تمرکز بر مفاهیمی همچون دموکراسی که برگرفته از جریان روشنفکری دینی بود، در موضع انتقاد از وضع موجود قرار گرفت. بدین

ترتیب دفتر تحکیم به عنوان وجه غالب در جنبش دانشجویی، برای نخستین بار در مقابل دولت به موضع‌گیری پرداخت. این مسئله البته با تأثیرپذیری فکری و سیاسی تحکیم از جناح چپ سستی نیز مرتبط بود.

شرایط سیاسی - اجتماعی ایران در دهه شصت

به طور طبیعی از آغاز پیروزی یک انقلاب تا قوام یافتن جامعه انقلابی و انسجام شیرازه حاکمیت، چندین سال به طول می‌انجامد. آنچه انقلاب در این دوران بیش از هر چیز بدان نیاز دارد، اتحاد نیروهای انقلابی با یکدیگر است. نیاز به وحدت در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پس از آن نیز امری مشهود بود؛ از این رو همه گروه‌های اسلامی از جمله اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان تحت لوای حزب جمهوری اسلامی گردهم آمدند؛ گرچه با انحلال حزب، دفتر تحکیم مستقل شد.⁽²⁷⁾ در همین زمینه، حدود پنج‌ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود می‌نویسد: «در جریانات تحقق انقلاب و مبارزات علیه رژیم شاه یکپارچگی و همبستگی تمامی گروه‌ها و همه جمعیت‌ها نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی داشت... اینک چنانچه در مرحله سازندگی تمرکز نیروهای فعال انقلاب به تشت و پراکندگی تبدیل شود... آینده‌ای دردناک در انتظار همه ماست».⁽²⁸⁾ در این دوران که می‌توان از آن به دوران گذار یاد کرد، در عرصه سیاسی ثبات وجود ندارد و گروه‌های مختلفی که تا پیش از پیروزی مهم‌ترین نقطه مشترکشان زوال رژیم سابق بوده است، برای سهم‌خواهی از قدرت و حرکت دادن حکومت جدید به سمت ارزش‌ها و آرمان‌های مورد علاقه خود به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. همین مسئله در آغاز پیروزی نهضت امام خمینی (ره) سبب شد راه نیروهای اسلامی، ملی‌گرا، چپ، لیبرال و... از یکدیگر جدا شود.

اندکی پس از پیروزی انقلاب، تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی آغاز شد که با مباحث طولانی و اختلاف‌نظرهای متعدد به‌ویژه در تعیین نوع نظام سیاسی و چگونگی اسلامی بودن حکومت (مسئله ولایت فقیه) همراه بود.⁽²⁹⁾ در دو سال نخست استقرار جمهوری اسلامی، مسائل متعددی همچون جریانات مربوط به دولت موقت، گروگان‌گیری در لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره)،

صف‌بندی گروه‌های مارکسیستی و لیبرال در برابر نیروهای اسلام‌گرا، مبارزات گروه‌هایی همچون سازمان مجاهدین خلق، حملات تروریستی علیه نیروهای برجسته انقلابی و...، امکان برقراری ثبات را در عرصه سیاسی - اجتماعی ایران سلب می‌نمود.⁽³⁰⁾

پس از آن نیز با آغاز حمله عراق علیه ایران و آغاز نبرد هشت‌ساله، شرایط خاص انقلابی در ایران وارد مرحله جدیدی شد؛ از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در تقسیم‌بندی ادوار حاکم بر جامعه ایران، از دهه نخست باید با عنوان دهه حاکمیت شرایط ویژه انقلابی نام برد. این شرایط ویژه را می‌توان در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (داخلی و خارجی) در نظر گرفت.⁽³¹⁾ به لحاظ متحوا و به عنوان وجه مشترک دوره حاکمیت شرایط انقلابی در همه زمینه‌های یادشده، می‌توان به تلاش برای برهم زدن نظم پیشین و جایگزینی نظمی نوین مطابق اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی اشاره کرد و به لحاظ شکلی در بیشتر زمینه‌ها، از شیوه عمل رادیکالی و تندروانه.

سیر دفتر تحکیم وحدت در دهه‌های 60 و 70

دفتر تحکیم وحدت مولود شرایط انقلابی نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. آنچه در خصوص لزوم اتحاد میان نیروهای انقلاب پس از پیروزی ذکر شد، از مهم‌ترین دلایل تشکیل دفتر تحکیم وحدت بود. نام دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه نیز گویای همین واقعیت است. دفتر تحکیم پس از شکل‌گیری، کوشید تحقق عملی آرمان‌های امام (ره) و انقلاب را به طور جدی‌تر پیگیری کند. به عنوان شاخص سخن می‌توان به دو جریان تسخیر لانه جاسوسی و انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها اشاره کرد:

به دنبال موضع‌گیری‌های صریح امام خمینی (ره) علیه ایالات متحده، انزجار عمومی علیه امریکا افزایش یافت؛ این خود زمینه را برای برخورد با منافع امریکا در ایران مهیا می‌ساخت. در هفتم آبان 1358 بار دیگر امام (ره) تأکید نمود که «همه گرفتاری‌های ما از امریکاست».⁽³²⁾ سه روز پس از آن یعنی در دهم آبان و در آستانه سیزده آبان، در سالروز حمله رژیم شاه به دانشگاه تهران، امام (ره) سخنرانی صریحی

خطاب به دانش‌آموزان، دانشجویان و طلباب ایراد نمود و از آنها خواست تا بر فشار خود علیه امریکا بیفزایند: «بر دانش‌آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام، حملات خود را علیه امریکا و اسرائیل گسترش داده و امریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند و این توطئه بزرگ را بار دیگر شدیداً محکوم کنند».⁽³³⁾

این سخنرانی سه روز پیش از سیزده آبان 58، زمینه لازم را برای اقدام دفتر تحکیم وحدت و دانشجویان پیرو خط امام (ره) جهت تسخیر سفارت ایالات متحده فراهم نمود. مبادرت به انجام این کار و حساسیت دفتر تحکیم نسبت به مواضع و مطالبات رهبری انقلاب، بیانگر نوع جهت‌گیری و خط‌مشی این دفتر در دهه نخست پیروزی انقلاب است. دانشجویان پیرو خط امام (ره) حتی بدون هماهنگی با اعضای شورای انقلاب و دولت موقت دست به این کار زدند؛⁽³⁴⁾ اما پس از آن، اقدام ایشان از سوی رهبر انقلاب مورد تأیید قرار گرفت و لقب انقلاب دوم را از آن خود کرد. دانشجویان در اعلامیه‌های خود پس از تسخیر سفارت با تأکید بر رویکرد ضدامپریالیستی، حمایت از دیدگاه‌ها و مواضع امام خمینی (ره)، اعتراض به امریکا در پناه دادن به شاه، حمایت از ضد انقلاب و توطئه و فشار تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی را علت اشغال سفارت اعلام نمودند.⁽³⁵⁾

انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها از دیگر اقداماتی بود که دفتر تحکیم وحدت در آن نقش اساسی ایفا نمود. این اقدام نیز همچون تسخیر سفارت امریکا، از گُنه مواضع امام خمینی (ره) نشئت می‌گرفت. امام (ره) در پیام نوروزی خود در سال 1359 اعلام داشت که باید در تمام دانشگاه‌های ایران، انقلابی اساسی در جهت دگرگون ساختن نظام آموزشی دوران پهلوی صورت پذیرد که ثمره آن، تربیت روشنفکران متعهد و مردمی باشد.⁽³⁶⁾ پس از این پیام، بحث انقلاب فرهنگی و سالم‌سازی محیط دانشگاه‌ها به طور جدی در میان نیروهای وفادار به انقلاب مطرح شد. یکی از دانشجویان پیرو خط امام (ره) در این دوران می‌گوید: «با تحلیل‌هایی که صورت گرفت، نمایندگان انجمن‌های اسلامی خود را مخاطب پیام امام احساس کردند و در همان روزهای تعطیلات نوروز 1359 به شور نشستند و راه‌های گوناگون تحقق این امر را به دقت مورد بررسی قرار دادند. در واقع اعضای

انجمن‌های اسلامی به عنوان سربازان امام، احساس وظیفه و مسئولیت نمودند که به فرمایشات امام عمل کنند، بنابراین هسته‌ای از دانشجویان متولی این کار شدند و جز تلاش برای فهم درست اهداف امام و برنامه‌ریزی برای پیاده کردن منویات ایشان، هیچ هدف دیگری نداشتند. خلاصه تلاش این بود که افراد از خودشان تفسیری نداشته باشند، بلکه پیام امام را درست بفهمند و درست برای تحقق آن برنامه‌ریزی کنند.⁽³⁷⁾ بدین ترتیب انجمن‌های اسلامی دانشجویان در دانشگاه‌های سراسر کشور پیشگام تعطیلی مراکز آموزش عالی شدند و زمینه را برای آغاز تغییر و تحول در دانشگاه‌ها فراهم نمودند.

پس از اجرای طرح انقلاب فرهنگی و بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها، فعالیت‌های سیاسی انجمن‌های اسلامی دانشجویان ادامه یافت. این فعالیت‌ها در جریان انتخابات دوم مجلس شورای اسلامی پُررنگ‌تر شد. در آستانه انتخابات مجلس دوم، بحث درونی دفتر تحکیم وحدت این بود که نحوه حضور این تشکل دانشجویی در انتخابات چگونه باید باشد. در این بین دو نظر متفاوت وجود داشت: دیدگاه اول معتقد بود که تحکیم به طور مستقیم وارد رقابت‌های انتخاباتی شود و لیست کاندیداهای خود را ارائه کند؛ اما دیدگاه دوم، تکلیف خود را تنها در گرم کردن فضای انتخاباتی و ارائه معیارهای نماینده‌اصح می‌دانست. تقابل این دو دیدگاه، به اختلاف‌های درونی تحکیم دامن می‌زد. در نهایت از آنجاکه طرفداران دیدگاه نخست در اکثریت بودند، دفتر تحکیم وحدت با اعمال نفوذ نیروهای سیاسی و اجرایی خارج از مجموعه، لیست انتخاباتی خود را ارائه نمود. جمعی از وزرا و اعضای کابینه مهندس موسوی نیز با انتشار بیانیه‌ای از آن حمایت کردند. در میان وزرای یادشده، نام آقایان بهزاد نبوی، محمدعلی نجفی، محسن نوربخش و مصطفی هاشمی طبا به چشم می‌خورد. در بیانیه جداگانه‌ای نیز 36 تن از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی کشور از کاندیداهای دفتر تحکیم حمایت کردند.⁽³⁸⁾

بدین ترتیب دفتر تحکیم وحدت همچون سازمان مجاهدین انقلاب که پیش از این دچار انشعاب شده بود، دچار اختلاف‌های درونی شد که در نهایت در انتخابات شورای مرکزی در سال 1362، جریان چپ موسوم به خط امام (ره)، دفتر تحکیم اکثریت را به دست گرفت و تحکیم وحدت یک‌دست شد. این نخستین انشعاب

تاریخی در دفتر تحکیم بود.⁽³⁹⁾ دفتر تحکیم وحدت در دهه هفتاد نیز یک بار دیگر انشعاب را تجربه کرد. اختلاف‌هایی که از مرداد 1379 نسبت به حمایت یا جدایی از جریان اصلاح‌طلبی آقای خاتمی در میان اعضای تحکیم پدید آمده بود، سرانجام در اسفند ماه همان سال، پایه‌های تفرقه را در تحکیم وحدت تحکیم کرد. بدین ترتیب در پی برگزاری دو نشست اعضای شورای مرکزی هم‌عرض یکدیگر، در دانشگاه شیراز و پس از آن در دانشگاه علامه طباطبایی تهران، دو اصطلاح «طیف شیراز» و «طیف علامه» به طور رسمی وارد ادبیات سیاسی ایران شد. اما ماهیت انشعاب این بار تفاوتی آشکار داشت. آنچه در دهه شصت به وقوع پیوست، انشعاب «از» تحکیم بود و آنچه در دهه هفتاد رخ داد، انشعاب «در» تحکیم. این موضوع در مقاله‌ای جداگانه با عنوان «بررسی سیر هویت‌یابی دفتر تحکیم وحدت در دهه‌های هفتاد و هشتاد» در چهارچوب نظریه گفتمان لاکلا و موفه مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

از دیگر مسائلی که بر روند جهت‌گیری دفتر تحکیم وحدت مؤثر واقع شد، انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت بود. مجمع روحانیون مبارز در اوایل سال 1367، در آستانه انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی در نتیجه اختلاف‌نظرها در سطوح مختلف جامعه روحانیت مبارز در ارتباط با مجلس سوم پدید آمد.⁽⁴⁰⁾ این مجمع در 25 فروردین 1367 با ارسال نامه‌ای به امام خمینی (ره) جریان انشعاب را توضیح داد و خواستار کسب مصلحت از ایشان شد. امام (ره) ضمن موافقت اظهار داشت: «انشعاب از تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل و ایجاد تشکیلات جدید، به معنای اختلاف نیست».⁽⁴¹⁾ بدین ترتیب برای نخستین بار مجمع روحانیون مبارز فهرست مستقلی از کاندیداهای نمایندگی مجلس سوم ارائه داد. این فهرست به شکل عمده، ترکیبی بود از اعضای خود مجمع، دفتر تحکیم وحدت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و انجمن اسلامی معلمان.⁽⁴²⁾

البته حضور جدی دفتر تحکیم در جریان انتخابات مجلس سوم برای انجمن‌های اسلامی عاری از تبعات نبود. یکی از اعضای فعال شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در این باره اظهار می‌دارد: «در سال 1367 که مجلس سوم تشکیل شد، تحکیم وحدت دچار اشتباهی شد که سبب پدید آمدن بحران‌های بعدی نیز

شد؛ همان اشتباهی که سال 76 و پس از دوم خرداد نیز مرتکب شد و آن اشتباه نیز این بود که تحکیم وحدت فکر می‌کرد قدرت سیاسی بزرگ، قوی و تأثیرگذاری است؛ به قول معروف یک دفعه بالا رفت و دیگر به جایگاهش برنگشت و همین امر سبب پدید آمدن بحران‌های بعدی شد».⁽⁴³⁾

به هر حال با انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز تهران، دفتر تحکیم به لحاظ فکری و سیاسی بیش از پیش به جناح چپ خط امامی متصل شد که این امر اثرات مهمی بر روند جنبش دانشجویی در ایران داشت. در واقع دفتر تحکیم از این پس پشتوانه‌ای محکم به لحاظ فکری و سیاسی به دست آورد و توانست در عرصه سیاسی - اجتماعی ایران به‌ویژه از نیمه دهه هفتاد به بعد حضوری جدی‌تر از خود به نمایش بگذارد. نقش پُررنگ انجمن‌های اسلامی دانشجویان به مرکزیت دفتر تحکیم وحدت - به عنوان فراگیرترین تشکل دانشجویی در کشور - در پیروزی جناح چپ در انتخابات دوم خرداد 76 را می‌توان از مهم‌ترین تأثیرات جریان دانشجویی در رقم زدن تحولات سیاسی - اجتماعی ایران دانست. این مسئله، به گونه‌ای حیاتی با وابستگی سنتی دفتر تحکیم به جناح چپ و تغییرات فکری و سیاسی این جناح طی هشت سال حاکمیت دولت سازندگی (حرکت از چپ سنتی به چپ اصلاح‌طلب) مرتبط بود.⁽⁴⁴⁾

پس از انقلاب فرهنگی تا سال 1367 و پذیرش قطعنامه، انجمن‌های اسلامی دانشجویان همواره یکی از مهم‌ترین منابع بسیج نیرو به سمت جبهه‌های جنگ بودند، اما پایان جنگ، رحلت امام خمینی (ره)، روی کار آمدن دولت آقای هاشمی رفسنجانی با اولویت سازندگی کشور و بازسازی زیرساخت‌های ویران‌شده در خلال جنگ هشت‌ساله، شرایط کشور را متحول ساخت.

از آنجاکه دفتر تحکیم از ابتدای انقلاب در طیف چپ سنتی (اسلامی) دسته‌بندی می‌شد، تفکرات رادیکال و چپ‌گرایانه در سیاست و اقتصاد داشت. کابینه مهندس موسوی در دهه شصت به لحاظ اقتصادی معتقد به اقتصاد دولت‌سالار و توزیع مساوی امکانات در بین مردم با سرکردگی دولت بود و این، با نظرات دفتر تحکیم وحدت همخوانی کامل داشت، اما سیاست‌های دولت سازندگی به‌ویژه سیاست‌های اقتصادی آن از جمله پیگیری تعدیل اقتصادی و

خصوصی سازی، سبب شد دفتر تحکیم به سرعت در موضع انتقاد قرار گیرد. بدین ترتیب در سال‌های پایانی دهه شصت، اندک‌اندک زمینه‌های تغییر در دفتر تحکیم وحدت آشکار شد. این تشکل گسترده دانشجویی که همواره موضع تندی نسبت به حمایت از انقلاب اسلامی داشت، با پایان یافتن جنگ، رحلت امام خمینی (ره) و روی کار آمدن دولت آقای هاشمی رفسنجانی، نسبت به برخی ارکان اجرایی و نظارتی کشور در موضع مخالفت و انتقاد قرار گرفت. برای نمونه دفتر تحکیم به عنوان یکی از سرسخت‌ترین منتقدان دولت سازندگی در دهه هفتاد، هنگام برگزاری انتخابات پنجم ریاست جمهوری در سال 1368 با صدور بیانیه‌ای،⁽⁴⁵⁾ از کاندیداتوری آقای هاشمی حمایت کرده بود.

یکی از نکات درخور توجه در مورد جهت‌گیری سیاسی دفتر تحکیم و انجمن‌های اسلامی در دهه 60 نسبت به دهه 70، آن است که فعالیت سیاسی دانشجویان بر مبنای احساس تکلیف و ادای وظیفه دینی و انقلابی صورت می‌پذیرفت. این احساس وظیفه و تکلیف نسبت به انجام فعالیت‌های سیاسی در دهه شصت، با حمایت جدی امام خمینی (ره) از ورود دانشجویان به سیاست ارتباط مستقیم داشت. زمانی که برخی جزم‌اندیشان از حق انحصاری مجتهدان در سیاست سخن گفتند، امام خمینی (ره) به تندی واکنش نشان داد: «شنیده‌ام در دانشگاه‌ها بعضی اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. آنجا شکست خورده‌اند حالا عکسش را می‌گویند. اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دویش غلط است... دانشگاهی‌ها بدانند این را که همان‌طور که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند».⁽⁴⁶⁾ اما با گذشت زمان، نگاه تکلیف‌محور دفتر تحکیم و دانشجویان انجمن‌های اسلامی به فعالیت‌های سیاسی، به نگاه حق‌محور تبدیل شد. چنانچه این مسئله در فرایند تبدیل جناح چپ سنتی به اصلاح‌طلب نیز نمود یافت: درحالی‌که از منظر جناح چپ در دهه شصت - بنا بر دیدگاه‌های انقلابی و مبتنی بر نظرات امام خمینی (ره) - زمینه عمل سیاسی «دینی» و «تکلیف‌محور» بود و اعضای شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز انگیزه خود را برای انشعاب از جامعه

روحانیت، عمل بهتر به «وظیفه اسلامی» و ادای «دینی که به انقلاب و اسلام و ملت فداکار و مجاهد ایران و شهدای عزیز داریم»⁽⁴⁷⁾ عنوان می نمودند.

بنا به تحلیل یکی از نیروهای اصلاح طلب، تبلیغات جناح چپ و سخنان حجت الاسلام و المسلمین خاتمی در دهه هفتاد بر «تقدس زدایی» از زمینه عمل سیاسی پایه گذاری شده بود. در چنین حالتی در عوض تکلیف، سخن از «حق» به میان می آید و الگویی که پیشتر رنگ آن جهانی داشت، رنگ این جهانی به خود می گیرد.⁽⁴⁸⁾ این تغییر رویکرد ریشه در بنیان فکری و فلسفی جریان روشنفکری دینی دارد که بررسی دقیق و علمی آن نیازمند پژوهشی جداگانه است.⁽⁴⁹⁾

اما نکته قابل تأمل در خصوص تغییر رویکرد انجمن های اسلامی دانشجویان در این دوران، آن است که درست مشابه تغییری که در جناح چپ سستی در دهه هفتاد نسبت به دهه شصت رخ داده بود، در دفتر تحکیم نیز رخ داد. این مسئله بیانگر نزدیکی تغییرات فکری و سیاسی جناح چپ و دفتر تحکیم وحدت به یکدیگر در نیمه نخست دهه هفتاد بود.

میثم سعیدی یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم معتقد است منبع معرفتی تحکیم در میانه دهه هفتاد، جریان روشنفکری بود. چنان که منبع سیاسی آن نیز احزاب سیاسی همفکر در جناح چپ بودند.⁽⁵⁰⁾

یکی از دانشجویان فعال انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر و از اعضای طیف علامه دفتر تحکیم وحدت در این زمینه می نویسد: «در سال های 71 تا 74 کتاب های ممنوع شده شریعتی دوباره رونق گرفت... سرباز مطیع دیروز، سر به نافرمانی برداشته بود. ناراضیان دفتر تحکیم وحدت در گرد نواندیش دینی دیگری [پس از دکتر شریعتی] حلقه زده بودند که سعی داشت مفاهیم لیبرالی را وارد دین کند».⁽⁵¹⁾

یکی دیگر از اعضای دفتر تحکیم وحدت نیز معتقد است: «مهم ترین تحولی که در اوایل دهه 70 ایجاد شد، این بود که جنبش های دانشجویی ما با سنت های فکری گذشته خود قطع ارتباط کرده است. مهم ترین آن، دست کشیدن از ایدئولوژی اندیشی است. امروز در رفتار سیاسی دانشجویان مسائلی مثل استکبار جهانی، جنگ بین فقر و غنا، مبارزه جویی و انقلابی گری جایی ندارد. حتی عدالت اقتصادی هم جایش را به بحث آزادی داده است».⁽⁵²⁾

موضوع‌گیری دفتر تحکیم نسبت به مهندس بازرگان و نهضت آزادی در دهه هفتاد، از دیگر مؤلفه‌هایی است که می‌تواند با مواضع این تشکل دانشجویی در دهه شصت مقایسه شود. در نامه سرگشاده دفتر تحکیم وحدت خطاب به نمایندگان دوره دوم مجلس شورای اسلامی در جریان انتخاب نخست‌وزیر و هیئت دولت در سال 1364 چنین آمده است: «تأکید بر روی کار آمدن بازرگان و نهضت آزادی و دست‌پروردگان غرب، زمینه بازگشت امریکا و وارد شدن خسارت به انقلاب اسلامی است».⁽⁵³⁾ اما در اردوی تابستانی دفتر تحکیم در سال 1376 در دانشگاه امیرکبیر، دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی سخنرانی نمود و در پایان، دانشجویان نماز جماعت را به امامت وی خواندند.⁽⁵⁴⁾

دفتر تحکیم وحدت در یکی از بیانیه‌های خود در دهه شصت، در خصوص آزادی نیز چنین اظهار می‌دارد: «اشتباه خواهد بود اگر آزادی را به عنوان یک مفهوم مطلق و واحد جهانی بحث کنیم بلکه باید آزادی را در مکتب جست‌وجو کنیم». و در ادامه بیانیه به نسبت میان لیبرالیسم و آزادی اشاره می‌کند: «باید گفت که در وضعیت کنونی، لیبرالیسم خطرناک‌ترین دشمن آزادی است؛ لیبرالیستی که خود را توسعه می‌دهد، عناصر انقلابی را به دامن خود می‌غلطاند و راه‌های برخورد قهری را به روی ملت می‌گشاید».⁽⁵⁵⁾

تغییر گفتمان دفتر تحکیم تا زمانی که در حیطه نظر باقی مانده، بازتاب جدی در عمل نداشت و همچنان ذیل گفتمان انقلاب اسلامی به حیات خود ادامه داد؛ اما هنگامی که نمود عملی یافت، به تقابل با نظام انجامید.

با نزدیک شدن به انتخابات مجلس پنجم در نیمه دهه هفتاد، دفتر تحکیم در اعتراض به وجود برخی محدودیت‌ها از جمله عدم صدور مجوز برای برگزاری برخی مراسم‌ها و جلوگیری از سخنرانی برخی روشنفکران در جلسات تحکیم، اعلام نمود که در انتخابات شرکت نخواهد کرد. این اعلام عدم حضور را می‌توان نخستین تقابل‌های آشکار اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان با حاکمیت برشمرد که در پایان دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد، وجه غالب در این تشکل دانشجویی شد. مسئله عدم شرکت در انتخابات در اسفند 76 و در جریان انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس نیز تکرار گردید. یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم

وحدت به خبرنگاران گفت که این اتحادیه در اعتراض به عملکرد شورای نگهبان، در این انتخابات شرکت نخواهد کرد اما در عین حال تأکید کرد دفتر تحکیم قصد تحریم این انتخابات را همانند اپوزیسیون‌های غیرقانونی ندارد و تنها از ارائه لیست و معرفی کاندیداها صرف‌نظر می‌نماید.⁽⁵⁶⁾ در این دوران تحکیم در میانه راه تغییر بود؛ زیرا با وجود اعلام عدم حضور در پای صندوق‌های رأی با کسانی که در مقام اپوزیسیون، سیاست تحریم انتخابات را دنبال می‌کنند، مرزبندی می‌نمود. در حالی که در انتخابات مجلس هفتم (اسفند 1382) به طور رسمی انتخابات را تحریم کرد.

پس از پشت سر گذاردن یک دوره فترت، مطرح شدن کاندیداتوری سید محمد خاتمی برای انتخابات ریاست جمهوری هفتم روشی تازه در دفتر تحکیم بود. این مقطع را می‌توان سرآغاز حرکتی جدید در جنبش دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت دانست که تا مرداد 1379 ادامه یافت.

دفتر تحکیم وحدت در جریان انتخابات دوم خرداد 1376 توانست در فضای دانشگاهی و حتی فضای عمومی جامعه نسبت به حمایت از حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی ایجاد انگیزه نماید و در جهت‌دهی به افکار عمومی نقشی در خور توجه ایفا کند. در این دوران دفتر تحکیم همگام با جبهه اصلاحات که حاصل ائتلاف 18 گروه کوچک و بزرگ بود،⁽⁵⁷⁾ در عرصه سیاسی - اجتماعی حضوری پُررنگ داشت و علیه گروه‌های مخالف اصلاحات موضع می‌گرفت. سهم‌خواهی از قدرت از ویژگی‌های تحکیم در این دوران بود که با ورود کاندیداهای دفتر تحکیم به مجلس ششم،⁽⁵⁸⁾ نمود عینی به خود گرفت. بدین ترتیب تحکیم وحدت به عنوان بخش مهمی از جنبش دانشجویی از موضع اصلی خود که دیده‌بانی نظام سیاسی و نقد قدرت است، به سهم‌خواهی از قدرت تغییر ماهیت داد. به اعتقاد یکی از اصلاح‌طلبان، جنبش دانشجویی بنا بر ذات و ماهیت خود نمی‌تواند در سیاست نقش‌ایجایی داشته باشد، برای مثال فردی را به عنوان وزیر به کابینه معرفی کند یا نماینده‌ای را به مجلس بفرستد، بلکه تنها می‌تواند در مقام یک منتقد و مخالف، نقش سلبی ایفا نماید و مردم را در مخالفت با مسئله‌ای بسیج کند، اما خود به دنبال کسب قدرت نیست؛ در واقع چنین ساختاری ندارد و به محض اینکه بخواهد به قدرت برسد، فرو می‌پاشد.⁽⁵⁹⁾

گرچه انجمن‌های اسلامی دانشجویی (به مرکزیت دفتر تحکیم) نقش مؤثری در پیروزی جریان اصلاحات در دوم خرداد 1376 ایفا نمودند، اما موضع تحکیم در این دوران سرانجام به زیان دولت اصلاحات آقای خاتمی تمام شد و از «مدد به خاتمی»⁽⁶⁰⁾ به «عبور از خاتمی»⁽⁶¹⁾ رسید. طیف مدرن (علامه) دفتر تحکیم موضعی تند و حتی تعارض‌آمیز نسبت به نظام اتخاذ کرد و خواهان بازنگری در مرام‌نامه تحکیم وحدت شد؛⁽⁶²⁾ از این رو سیر تغییر دفتر تحکیم وحدت در نهایت از همراهی با نظام در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی آغاز و به تقابل با آن در نیمه نخست دهه هشتاد ختم شد.

نتیجه‌گیری

انجمن‌های اسلامی دانشجویان به عنوان یگانه ادامه‌دهنده جنبش دانشجویی پیش از انقلاب، برای انسجام بیشتر و تحقق اهداف انقلابی خود در تابستان 1358 اقدام به تأسیس اتحادیه‌ای مرکزی با نام دفتر تحکیم وحدت نمودند. در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم از خط‌مشی انقلابی، رادیکال و چپ‌گرایانه برخوردار بود. تسخیر لانه جاسوسی و انقلاب فرهنگی از دستاوردهای این دوران تحکیم به شمار می‌آید. در این برهه زمانی دفتر تحکیم وحدت از حامیان جدی دولت مهندس میرحسین موسوی به شمار می‌رفت که رویکرد آن اعتقاد به تصدی‌گری دولت در زمینه‌های مختلف اقتصادی و حتی اجتماعی بود.⁽⁶³⁾ پس از تصفیه درونی دفتر تحکیم در سال 1362، انجمن اسلامی دانشجویان بازوی جناح چپ در دانشگاه‌ها شد. با انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت، دفتر تحکیم توانست پشتیبان‌های محکم از جهت فکری و سیاسی بیابد. اما با پایان جنگ، رحلت امام خمینی (ره) و روی کار آمدن دولت سازندگی، اندک‌اندک تغییراتی در جناح چپ سنتی و متعاقب آن در تحکیم وحدت پدیدار شد و تغییرات در جناح چپ به سمت اندیشه‌های دموکراسی‌خواهانه و خط‌مشی لیبرالی در اقتصاد و سیاست حرکت کرد⁽⁶⁴⁾ و در نهایت به شکل‌گیری جبهه اصلاحات انجامید. مشابه این تغییر نیز در دفتر تحکیم وحدت از سال‌های پایانی دهه شصت به این سو پدید آمد. چنانچه دکتر هاشم آغا‌جری در کنگره نقد و بررسی عملکرد

بیست‌ساله دفتر تحکیم وحدت اشاره می‌نماید،⁽⁶⁵⁾ از آنجاکه رابطه دانشجویان انجمن‌های اسلامی با امام خمینی (ره) یک رابطه عاطفی و علقه شخصی بود نه پیوندی بر پایه بنیان فکری و مستحکم به پشتوانه قانون اساسی، رحلت امام (ره) در تغییر مسیر دفتر تحکیم نقشی اساسی ایفا نمود.

دفتر تحکیم وحدت در پیروزی حجت‌الاسلام و المسلمین خاتمی در دوم خرداد 76 نیز نقشی اساسی ایفا کرد. اما اندک‌اندک نارضایتی از عدم تحقق آرمان‌های این تشکل، سبب انشقاق در جبهه اصلاحات گردید. این انشقاق از دو باور و فهم متفاوت از مفهوم اصلاح‌طلبی و نسبت آن با گفتمان جمهوری اسلامی ناشی می‌شد: باور به امکان اصلاحات درون‌ساختاری (حجت‌الاسلام و المسلمین خاتمی و حامیان وی) و اعتقاد به عدم امکان اصلاحات در چهارچوب جمهوری اسلامی و ضرورت پیگیری آن فراتر از ساختارهای نظام. سرانجام با طرح ایده «عبور از خاتمی»، دفتر تحکیم به دو طیف شد؛ طیف سنتی (طیف شیراز) همراهی با دولت اصلاحات و نظام را برگزیدند و طیف مدرن (علامه) که اکثریت دفتر تحکیم وحدت را نیز در اختیار داشتند، خروج از جبهه اصلاحات و به عبارت دیگر خروج از نظام و حاکمیت را برگزید. به یاری حق، این موضوع در مقاله‌ای دیگر مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. ☪

پی‌نوشت‌ها

1. مجتبی عطارزاده، جنبش‌های دانشجویی ایران و مقوله مشارکت سیاسی، (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1384)، ص 4.
2. Alain Rey, Le Robert, *France Loisirs*, 1992, p. 661.
- به نقل از: حسین قویدل و مجید پورنجمی، تاریخ جنبش دانشجویی ایران، (تهران: انتشارات نجم‌الهدی، 1385)، ص 7.
3. دوناتلا دلاپورتا و ماریو دیانی، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، مترجم: محمدتقی دلفروز، (تهران: کویر، 1383)، صص 33-34.
4. C. Tilly, *Social Movements 1768-2004*, (Paradigm Publishers, Boulder, London, 2004) p. 16.
5. Verta Taylor, *Social Movement Continuity*, *American Sociological Review*, Vol. 54, No. 5, Oct., 1989, pp. 761-775.
- Roland Ingelhart, *Values, Ideologies, and Cognitive mobilization in new social movements*, (Cambridge Polity Press, 1990).
- C. Offe, "New Social Movements: Challenging the Boundaries of Institutional Politics," *Social Research*, Vol. 52, No. 4, (Winter 1985).
- C. Calhoun, *New Social Movements*, (NC: Duke university press, 1995).
- A. Scott, *Ideology and the New Social Movements*, Unwin Hyman, (London: Boston, 1990).
- S. Tarrow, "Struggle, Politics and Reform: Social Movements and Cycles of Protest", *Comparative Political Studies*, Vol. 25, No. 4, 1993, pp. 579-607.
- A. Melucci, "Getting Involved: Identity and Social Movements", *JAI*, Greenwich, 1988.
- A. Melucci, *Nomads of the Present: Social Movements and Individual Needs in Contemporary Society*, (London: Hutchinson Radius, 1989).
6. A. Touraine, *The Post Industrial Society*, (Random House, 1971).
7. *Ibid.*
- A. Touraine, *The Voice and the Eye*, (Cambridge University Press, 1981).
- A. Melucci, "Getting Involved: Identity and Social Movements", *JAI*, (Greenwich, 1988).
- A. Melucci, *Nomads of the Present: Social Movements and Individual Needs in Contemporary Society*, (London: Hutchinson Radius, 1989).
- E. Laclau, and Mouffe, C., *Hegemony and Socialist Strategy*, (Verso, London, 1995).

- Jean L. Cohen, "Strategy and Identity", *Social Research*, Vol. 52, No. 4, Winter 1985.
- H. Kriesi, *The Political Opportunity Structure of New Social Movements*, (London: University of Minnesota Press, 1995).
8. A. Touraine, "The Voice and the Eye", *Op.Cit.*
- S. Lash, and Urry, J., *The End of Organized Capitalism*, (Cambridge Polity Press, 1987).
- K. Eder, *Dos Social Class Matter in the Study of Social Movements?*, (Sage: London, 1985).
9. R. Milliband, *Divided Societies: Class Struggle in Contemporary Capitalism*, (Oxford: Clarendon Press, 1989).
10. کیت نش، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، مترجم: محمد دلفروز، (تهران: نشر کویر، 1384)، ص 129.
11. همان، صص 130-132.
12. دوناتلا دلاپورتا و ماریو دیانی، پیشین، ص 102.
13. همان، فصل سوم.
14. نوروز هاشم‌زهی، تحلیلی بر حرکت‌های دانشجویی در ایران، (تهران: پژوهشکده فرهنگ و معارف، 1377)، ص 22.
15. حمیدرضا جلایی‌پور، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد، (تهران: طرح نو، 1381)، صص 91 و 92.
16. محمود کلاهیچیان، تأثیر جنبش دانشجویی بر اعتراضات جمعی جامعه، گزارش پژوهشی، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1383)، صص 6-8.
17. محمدرضا تاجیک، گفتمان، یادگفتمان و سیاست، (تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، 1383)، صص 358-364.
18. حسین بشیریه، «هجدهم تیر، اعتراض دانشجویی به تحدید دموکراسی»، ماهنامه آفتاب، شماره 17، تیر و مرداد 1381، ص 50.
19. محمد لعل‌علیزاده، جنبش دانشجویی و نیروهای سیاسی خارج از دانشگاه (1376-1357)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، (دانشگاه تهران: 1384)، ص 36.
20. محمدباقر خرمشاد، «به سوی موج چهارم»، به نقل از: حسین قویدل و مجید پورنجمی، پیشین، ص 23.
21. همان، صص 27 و 28.
22. هاشم‌زهی در کتاب خود می‌نویسد انجمن اسلامی دانشجویان توسط مهندس بازرگان در سال 1321 و در دانشکده فنی دانشگاه تهران تأسیس شد. (هاشم‌زهی، پیشین، ص 22).
23. ابراهیم یزدی، جنبش دانشجویی در دو دهه 1320 و 1330، (تهران: قلم، 1382)، ص 25.
24. به عنوان نمونه ر.ک: علیرضا کریمیان، جنبش دانشجویی در ایران، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381).
25. جمعی از نویسندگان، دفتر تحکیم وحدت، (تهران: کوثر، 1379)، ص 9.

26. کلاهچیان، پیشین.
27. حسین هرسیج و مطهره حسینی، «شکل‌گیری جریان سیاسی چپ در دهه اول پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست، پاییز 1388، ص 375.
28. سید حسن علم‌الهدایی، سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی، 58/4/25.
29. ر.ک: اداره کل امور فرهنگی در روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، (تهران: مجلس شورای اسلامی، 1368).
30. ر.ک: یحیی فوزی، تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، جلد 1، (تهران: عروج، 1374).
31. همان، جلد 2.
32. صحیفه امام، جلد 10، ص 392.
33. همان، ص 412.
34. مسعود سفیری، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، مصاحبه با هاشمی رفسنجانی، (تهران: نی، 1378)، صص 50-51.
35. یحیی فوزی، پیشین، جلد 1، ص 574.
36. صحیفه امام، ج 12، ص 207.
37. انجمن اسلامی سازمان‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور، چگونه باید انقلابی اسلامی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید، (تهران: بی‌نا و بی‌تا)، دفتر اول صص 19-16 و دفتر دوم ص 7.
38. حسین قویدل و مجید پورنجمی، پیشین، صص 99-97.
39. همان، صص 99 و 100.
40. عبدالواحد موسوی لاری، روزنامه سلام، 75/7/29.
41. صحیفه امام، جلد 21، ص 26.
42. کریم راهوار منفرد، احزاب، تشکل‌ها و جناح‌های سیاسی ایران امروز، (تهران: سیاست، 1382)، ص 148.
43. مصاحبه با علی شکوری‌راد، قویدل، پیشین، ص 104.
44. ر.ک: علی پوزش شیرازی، مطالعه علل تغییر گفتمان بخشی از دفتر تحکیم وحدت از همراهی با نظام به تعارض با آن (1384-1376)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران، 1387، فصول چهارم و پنجم.
45. روزنامه کیهان، 1368/4/26.
46. سخنرانی در جمع کارکنان صدا و سیما، 62/12/9، صحیفه امام، جلد 18، ص 367.
47. نامه اعضای شورای مرکزی مجمع در سال 67 به امام خمینی (ره)، روزنامه سلام، 75/8/20.
48. محمدجواد غلامرضا کاشی، جادوی گفتار، (تهران: آینده پویان، 1379)، صص 157-162.

49. ر.ک: پوزش شیرازی، پیشین، فصل چهارم.
50. مصاحبه با میثم سعیدی، به نقل از قویدل، پیشین، ص 134.
51. عابد توانچه، «محفل ازهم پاشیده»، نشریه دانشجویی شاید فردا، دانشگاه امیرکبیر، خرداد 1385، ص 8.
52. روزنامه خرداد، 78/1/25.
53. روزنامه کیهان، 64/7/1.
54. سید محسن صالح، روایت دگردیسی، (قم: وثوق، 1380)، ص 35.
55. روزنامه کیهان، 65/5/5.
56. روزنامه جامعه، 76/12/18.
57. محمد قوچانی، نازی‌آبادی‌ها، (تهران: سرایی، 1383)، ص 21.
58. محمد قوچانی، همو، برادر بزرگتر مرده است: جنبش اصلاحات در احتضار، (تهران: نقش و نگار، 1381)، ص 88.
59. مصاحبه با عباس عبدی، به نقل از مسعود سفیری، دیروز، امروز و فردای جنبش دانشجویی ایران، (تهران: نی، 1378)، صص 51 و 52.
60. «ایده سید مهدی طباطبایی در تقابل با نظریه عبور از خاتمی علی افشاری»، رجوع کنید به: قویدل، پیشین، ص 176.
61. هنگام برگزاری نشست دبیران سیاسی دفتر تحکیم در مرداد ماه 1379، ایده «عبور از خاتمی» توسط علی افشاری مطرح شد. ر.ک به: قویدل، پیشین، ص 174.
62. سعید رضوی فقیه، «اجازه ندهیم با جنازه دفتر تحکیم کاسبی کنند»، روزنامه شرق، 82/8/12.
63. هرسیح، پیشین، ص 376.
64. محمد قوچانی، پیشین، (تهران: نقش و نگار، 1381)، ص 122.
65. هاشم آغاچری، روزنامه عصرآزادگان، 78/8/12.